

Self-Sacrifice or Self-Seeking? Which is Superior in our Jurisprudential Resources and Islamic Legal System? The Effect of the Preferable in the Islamic Society

Received: 2019/04/22

Accepted: 2019/06/08

Milad Dehqani *

Dr. Abbasali Soltani **

Marzia Ferdowsi Dowlatshanloo ***

Abstract

The human social life necessitates the priority of public interests over personal ones, though human instinct prescribes otherwise. This conflict has been in force since the dawn of history. Self-sacrifice, however, is considered a major value and ethical virtue both in individual and social life and implies self-abnegation for the sake of others. On the opposite trend, there is self-seeking which gives priority to one's interests, hence despicable and blamed. Human instinct has always pushed one to focus on one's own interests, a disposition that leads to individual and social decline, fall of humanity, legal discriminations and depravities. Self-sacrifice takes a noble position in the Islamic culture and is a sign of faith. The Islamic holy traditions also recommend this and promise recompenses for it. The research method is descriptive-analytical. Due to the supreme importance of self-sacrifice as decreed by God in various verses of the Quran and the Infallible Traditions of Imams, it is highly necessary to explicate them in the Islamic jurisprudence and legal system. Self-seeking has its own benefits such as self-preservation, but what provides salvation in this world and in the hereafter is self-sacrifice, a matter clarified by the Holy Quran, Traditions and even intellect. The propagation of this disposition in society will lead to the elevation of people's mental and spiritual health, which is the main objective of the article.

Keywords: Self-Sacrifice, Self-Seeking, Salvation, Public Interests, Individual Inclinations, Jurisprudential Resources, Islamic Legal System, Islamic Society

* M.A. and Alumni of Mashad Ferdowsi University milad.dehghani@mail.um.ac.ir

** Associate Professor, Mashad Ferdowsi University soltani@um.ac.ir

*** M.A. and Alumni of Mashad Ferdowsi University m.ferdowsi@mail.ac.ir

ایثار یا استیثار؛ کدام یک در منابع فقهی و نظام حقوقی اسلامی مرجح و تأثیر گذار در جامعه است؟

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

میلاذ دهقانی *

عباسعلی سلطانی **

مرضیه فردوسی دولت شانلو ***

چکیده

ضرورت زیست اجتماعی انسان، مقتضی ترجیح منافع عمومی بر امیال فردی است درحالی که گزینه و طبیعت انسان به ترجیح خواسته‌های خود و تمامیت‌خواهی حکم می‌کند. این کشمکش از ابتدای آفرینش بشر در کشاکش اعصار و در تمامی امصار جریان داشته است. ایثار و گذشت از ارزش‌های مهم و اساسی در زمینه فردی و اجتماعی به‌شمار می‌رود و به‌معنای دیگرگزینی و گذشتن از خود به سود دیگران است از فضایل اخلاقی به‌شمار می‌رود. نقطه مقابل ایثار، استیثار است که به معنای خودگزینی و منفعت خود را مقدم داشتن است که از ردایل اخلاقی به‌شمار آمده و مورد مذمت قرار گرفته است. هدف در این پژوهش تأثیر ترجیح ایثار یا استیثار در جامعه است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی تدوین شده است؛ با توجه به اهمیت و ارزش والای ایثار در جامعه و تأکید خداوند در آیات مختلف قرآن و سخنان امامان معصوم در روایات در این تحقیق، به صورت جزئی و دقیق‌تر تبیین مبانی ایثار و استیثار در فقه و نظام حقوقی اسلامی ضرورت می‌یابد. با این که استیثار و خودخواستن امری غریزی و طبیعی است و می‌تواند منافی چون حفظ جان و مال داشته باشد، اما ایثار و دگرخواهی است که موجب زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت خواهد شد و با توجه به آیات قرآن کریم، روایات و در آخر به حکم عقل ارزش و منزلت ایثار و قیج استیثار نمایان می‌گردد. در نتیجه با ژرف‌نگری به مبانی و منابع فقه و حقوق اسلامی، ترجیح ایثار بر استیثار در فقه و حقوق اسلامی مبرهن می‌شود و فایده این ترجیح، رشد ایثار در جامعه است که باعث توسعه‌یافتگی و سلامت جامعه و تعالی روحی و روانی می‌گردد و رسیدن به این فایده ماحصل این مقاله است.

واژگان کلیدی: ایثار، استیثار، سعادت انسان، منافع عمومی، امیال فردی، منابع فقه، نظام حقوقی اسلامی، جامعه اسلامی

* دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناسی ارشد (نویسنده مسئول) milad.dehghani@mail.um.ac.ir

** soltani@um.ac.ir

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

m.ferdowsi@mail.um.ac.ir

*** دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناسی ارشد

مقدمه

یکی از اصول اخلاقی مهم در جامعه که باعث انسجام و بقای جامعه انسانی و تداوم و پیشرفت آن می‌شود، موضوع ایثار است. ایثار از موضوعات علم عملی یعنی علم اخلاق است و پیش از آنکه پدیده‌ای اجتماعی باشد، امری انسانی و متعلق به فطرت عدالت‌خواه انسان‌ها و جامعه بشری است. فرهنگ ایثار عمری به درازای عمر بشر دارد و با آفرینش انسان قرین است. در تمام فرهنگ‌ها ایثار و از خودگذشتگی ستوده می‌شود و از مقوم‌های جامعه محسوب می‌گردد. چنین ارزش مهم بشری از دیرباز مورد توجه ادیان و ملل مختلف قرار گرفته و بازتاب گسترده‌ای در ادبیات، تاریخ و اساطیر ملی و مذهبی تمام ملل از جمله ایران داشته است. ایثار به عنوان نیکوترین احسان یکی از ارزش‌های والای انسانی به‌شمار آمده و جزء بهترین اعمال در جامعه است که دارای ارزش معنوی و روحانی بسیاری می‌باشد. ایثار در فرهنگ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلام به عنوان اوج وارستگی مؤمن و نشانه بارز پیوستگی به خدا و مکتب تلقی شده و در قرآن از آن برای آزمودن صلاحیت رهبری و امامت نام برده شده است. دین مبین اسلام نیز درباره ایثار سخن گفته و آن را از بالاترین درجه شخصیت و بزرگواری فرد به‌شمار می‌آورد. در حقیقت با ایثار و از خودگذشتگی، محیطی فراهم می‌شود که دیگران در کمال آرامش و آسایش به کار و تلاش خود بپردازند. به همین دلیل است که می‌گویند شهدا، شمع محفل بشریت‌اند. از طرف دیگر خودگزینی یا استیثار از رذایل اخلاقی به‌شمار آمده و جزء خطرناک‌ترین آفت‌های جامعه است. استیثار و استبداد در تمامی زمینه‌ها چه مدیریت، سیاست، اقتصاد و مذهب چیزی جز ویران‌کردن وحدت و نابودی فرد و جامعه در پی ندارد. هرچه ایثار خوب و سودمند است و موجب فلاح و کمال اخلاقی می‌گردد، استیثار برای جامعه مخرب و زیانبار است. می‌توان گفت ایثار و استیثار دو نقطه مقابل هم هستند که یکی دارای بار ارزشی مثبت و دیگری بار منفی است، یکی موجب پیشرفت و دیگری موجب پسرفت می‌شود. حال باید دید که فقه

اسلامی چه دیدگاه و نظری نسبت به این دو دارد، کدامیک را می‌پسندد و به آن ارجح می‌دهد؟ در حقیقت هدف از این پژوهش این است که مبانی فقهی ایتار و استینار را دریابیم و ببینیم که کدامیک در مبانی فقهی و نظام حقوقی اسلامی مرجح است و تأثیر مرجح در جامعه اسلامی چیست؟

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. به این صورت که ابتدا مطالعات مقدماتی درباره موضوع تحقیق صورت گرفته سپس منابع از میان کتاب‌های لغت، معجم، اخلاق و کتاب‌های روایی و قرآن کریم جمع‌آوری گردیده است. همچنین از پایان‌نامه و مقالات نیز در این تحقیق استفاده شده است و با توجه به موضوع تحقیق، مطالب مرتبط با بحث از این منابع، استخراج و فیش‌برداری شده و در نهایت این مطالب فیش‌برداری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با ارجاع دقیق به منبع اصل به رشته تحریر درآمده‌اند. در این مقاله ابتدا ایتار و استینار مفهوم‌شناسی می‌شود، اقسام ایتار و استینار و ابعاد و مراتب ایتار بیان می‌گردد و سپس به توضیح مختصری درباره اهمیت ایتار و آثار ایتار و استینار بر روی فرد و جامعه پرداخته می‌شود و در نهایت به مبانی فقهی ایتار و استینار و ترجیح ایتار در نظام حقوقی اسلامی و تأثیر مرجح (ایتار) در جامعه اسلامی پرداخته می‌شود. پس از بررسی و کنکاش فراوان درباره موضوع «ایتار یا استینار؟ کدام یک در مبانی فقهی و نظام حقوقی اسلامی مرجح و تأثیرگذار در جامعه است؟ تأثیر مرجح در جامعه اسلامی؟» این نتیجه به دست آمد که درباره ایتار و استینار آثاری چند از کتاب، پایان‌نامه و مقاله به رشته تحریر درآمده است ولی درباره این موضوع خاص که «ایتار یا استینار؟ کدام یک در مبانی فقهی و نظام حقوقی اسلامی مرجح و تأثیرگذار در جامعه است؟ تأثیر مرجح در جامعه اسلامی؟» تحقیقی به صورت جامع و دقیق صورت نگرفته است. با توجه به قداست ایتار و از خودگذشتگی و اثرات و تبعاتی که از خود بر جای می‌گذارد، پژوهش و بررسی موضوع «ایتار یا استینار؟ کدام یک در مبانی فقهی و نظام حقوقی اسلامی مرجح و تأثیرگذار در جامعه است؟ تأثیر مرجح در جامعه اسلامی؟» ضرورت می‌نماید و شایسته است که به صورت دقیق‌تر به

آن پرداخته شود؛ چرا که موضوعی مهم و تأثیرگذار در جامعه است و رشد و گسترش آن در جامعه عواقب خوبی به دنبال دارد.

تعاریف

ایثار: ایثار در لغت به معنای «برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و مانند آن است» (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه ایثار). در معجم مقائیس اللغه آمده: «تقدیمُ الشَّيْءِ، وَذِكْرُ الشَّيْءِ، وَرَسْمُ الشَّيْءِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص. ۵۳) ایثار در اصطلاح «بخشیدن چیزی در صورتی که خود فرد به آن نیاز دارد» (نراقی، بی تا، ج ۲، ص. ۱۲۳؛ المهدی، بی تا، ج ۲، ص. ۲۲۷). در آیه ۹ سوره حشر چنین آمده است: «وَ يُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» آنان را بر خود ترجیح می دهند گرچه خودشان را نیاز شدیدی به مال و متاع باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲). ایثار از باشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و تنها انسان‌های بزرگ به این قله بلند صعود می‌کنند. ایثار نمود و نماد دیگرخواهی آدمیان است و روح انسان دوستی آن‌ها را به نمایش می‌گذارد (رحمانی، ۱۳۹۱، صص. ۱۳-۱۴). همچنین نیت و انگیزه شخص ایثارگر باید الهی بوده و فقط رضا و خشنودی خدا باشد و لاغیر. در واقع ایثار، یک اصل قرآنی است. ایثار یعنی گذشت، یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود در آنچه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج دارد و در عین کمال احتیاج، دیگری را بر خود مقدم می‌دارد. ایثار یکی از باشکوه‌ترین مظاهر انسانیت است و قرآن، عجیب ایثار را ستود. ایثار مقام انسانی فوق‌العاده باشکوهی است و اسلام آن را ستوده و ستایش کرده است (اسحاقی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۰).

استیثار: استیثار در لغت به معنای «برگزیدن گزیده‌های خویش را نه یاران را و برای خود برگزیدن امری است» (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه استیثار). در لسان‌العرب آمده است: «اِسْتَأْتَرَ بِالشَّيْءِ عَلٰی غَيْرِهِ: خَصَّ بِهِ نَفْسَهُ وَ اسْتَبَدَّ بِهِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص. ۸) یعنی در چیزی بر دیگری استیثار ورزید؛ آن چیز را به خود اختصاص داد.

راغب اصفهانی می‌گوید: «استیثار التفرد بالشئ من دون غیره» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۰) یعنی در انحصار قرار دادن چیزی بدون اینکه دیگران را در آن دخیل کند. استیثار در اصطلاح «چیزی را به انحصار در آوردن، چیزی را ویژه خود گردانیدن است» (محمودی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۲۰۶). محمودی می‌گوید: «استیثار یعنی خود را بر دیگری مقدم کردن» (محمودی، ۱۹۶۸، ج ۵، ص. ۱۱۱).

اقسام ایتار و استیثار

ایتار از منظر روایات اسلامی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- ایتار ستوده یا مثبت: ایتار ستوده، ترجیح دادن منافع و خواسته‌های دیگران بر منافع خویش به صورت آگاهانه و به‌خاطر رضای خدا است.

۲- ایتار نکوهیده یا نامعقول: ایتار و فداکاری در جبهه باطل و به ناحق. چنین ایتاری حسرت و پشیمانی به دنبال دارد. چنان که در ۳۶ سوره انفال آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصْنَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ» مسلماً کسانی که کافرند، اموالشان را هزینه می‌کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند و به زودی همه اموالشان را (برای جلوگیری از گسترش اسلام) خرج می‌کنند؛ سپس (این عمل) برای آنان مایه حسرت و ندامت می‌شود (زیرا خواهند دید که ثروتشان را از دست داده‌اند و اسلام هم گسترش یافته) و آن‌گاه مغلوب می‌شوند و آنان که کافرند به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۲). استیثار نیز به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- استیثار ستوده: استیثار ستوده، انحصار کردن حقوق به خویش بر اساس موازین عقلی است؛ مانند منحصر کردن خود به اموال شخصی. در روایت ذیل خداوند بخشی از علم را به خود اختصاص داده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ عِلْمًا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ أُنْبِيَاءُهُ وَ رَسُولُهُ فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أُنْبِيَاءُهُ فَقَدْ عَلِمْنَاهُ وَ

عِلْمًا اسْتَأْتَرَبِهِ فَإِذَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمَنَاهُ ذَلِكَ وَ عَرِضَ عَلَى الْأَيْمَةِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا» (صفار، بی تا، ج ۱، ص. ۳۹۴).

۲- **استیثار نکوهیده:** استیثار نکوهیده، انحصار کردن حقوق به خود بر خلاف عقل و فطرت است که این خود بر دو نوع است. گاهی استیثار نکوهیده باعث تجاوز به حقوق دیگران است و گاهی فقط کاری بر خلاف ایثار و عقل است. بحث ما در این تحقیق، درباره ایثار ستوده و استیثار نکوهیده‌ای است که متجاوز حقوق دیگران است.

مراتب ایثار

ایثارگر کسی است که برای رفاه دیگری و منافع او در راه رضای خدا از خواسته‌ها و علائق خویش چشم می‌پوشد. ایثار دارای مراتب و گونه‌های مختلفی است:

ایثار جان، مال، علم و آبرو: ایثار گاه با فدا کردن جان، گاه با دادن مال و گاه با دادن آبرو و اعتبار صورت می‌گیرد. در ایثار مالی، ایثارگر اموال و دارایی خویش را با وجود اینکه خود به آن نیاز دارد به دیگری می‌بخشد. ایثار جانی از ایثار مالی پراهمیت‌تر است. چرا که در این نوع ایثار، شخص حاضر است جان خود را که عزیزترین چیز در نزد هر کسی است، فدای دیگران کند یا به اصطلاح جانفشانی کند. اوج ایثار و فداکاری شهادت است که مرتبه انسان کامل است و از بهترین نمونه‌های آن ایثار امام علی در لیلۃ المَبیت و شهادت امام حسین (ع) و یارانش در کربلا بود که به زیباترین شکل ممکن به ظهور رسید. ایثار و جوانمردی‌ای که باعث شد یاد اسلام برای همیشه در ذهن‌ها باقی بماند. در آیه ۲۰ سوره توبه از ایثار مال و جان سخن گفته شده است:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا، بزرگ‌تر و برتر است و فقط اینانند که کامیابند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۲). عطاء علم یکی از انواع ایثار است. علمی که

خدا به امانت نزد انسان نهاده را از طرق مختلف مانند تدریس، وعظ و خطابه، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن می‌توان ایتار کرد (سامانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۸). کسانی نیز از آبرو و اعتباری که در جامعه نزد دیگران دارند برای اشخاص مایه می‌گذارند تا آبروی آنان حفظ شود.

ایتار فردی و اجتماعی: ایتار هم ممکن است ارزشی فردی به‌شمار آید و هم در رده ارزش‌های جمعی و اجتماعی قرار گیرد. وقتی فردی خاص به شکل‌های مختلف دیگری را بر خویش مقدم می‌دارد و در رفع نیازهای او بکوشد، ایتار فردی است اما زمانی که تعداد زیادی از افراد در راه آرمان یا هدفی والا از بذل جان و مال و آبرو و دیگر داشته‌هایشان دریغ نمی‌ورزند، ایتار جنبه عمومی می‌یابد و در زمره ارزش‌های اجتماعی جای می‌گیرد (ناظمی‌اردکانی، ۱۳۹۳، صص. ۴۸ - ۴۹). بهترین نمونه ایتار اجتماعی در دوران معاصر، هشت سال دفاع مقدس است که در طول این سال‌ها، انسان‌های زیادی برای دفاع از جان، مال، ناموس و امنیت کشورشان، جنگیدند و جان خویش را فدا کردند.

ابعاد ایتار

ایتار دارای ابعاد مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

اجتماعی: بعد اجتماعی ایتار ناظر به رفتارهای ایتارگرانه‌ای است که فرد در ارتباط با دیگران، خانواده، بستگان، دوستان، همکاران، افراد کوچک و بازار، همسایگان و همه کسانی که به نوعی با آن‌ها مرتبط است، پدید می‌آید. در بعد اجتماعی ایتار فرد جدا از دیگران نگریسته نمی‌شود، بلکه فردیت او نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، اما از آنجا که میان حقوق فردی و اجتماعی تزاخم ایجاد می‌شود، توصیه می‌شود ایتارگرانه از حق خود در مقابل دیگران بگذرد. ایتار در بعد اجتماعی سبب حفظ و ثبات ارزش‌های جامعه شده و به تحکیم جامعه کمک شایانی خواهد کرد (عزیزی، ۱۳۹۳، ص. ۳۱).

سیاسی: ایثار بر روی سیاست و پیشرفت‌های سیاسی اثرگذار است. در این نوع ایثارگری، شخص شکنجه و محرومیت را تحمل می‌کند و با فدا کردن خود، از کشور و ملیتش دفاع می‌کند و آینده درخشان و تابناکی برای حاکمیت کشور خود رقم می‌زند که بهترین نمونه آن را می‌توان در دوران انقلاب اسلامی نظاره کرد.

فرهنگی: فرهنگ هر جامعه‌ای نمود و بازتاب ارزش‌های حاکم در آن جامعه است و هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. ایثار به عنوان یک فرهنگ متعالی و حرکت‌آفرین قادر است که فضای جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد. فرهنگ ایثار در جامعه می‌تواند ریشه مفاسد فردی و اجتماعی را بخشکاند و آن جامعه را به تعالی برساند. پس باید از همان کودکی به افراد، ایثار و گذشت را آموخت و این فرهنگ را از کودکی در وجود انسان‌ها نهادینه کرد؛ چرا که فرهنگ ایثار، آثار شگرف و عظیمی در جامعه بر جای می‌گذارد.

اقتصادی: بعد اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان است. پیشرفت اقتصادی هر جامعه‌ای مرهون ایثار و از خودگذشتگی در زمینه اقتصادی است؛ چرا که ایثار بر امور اقتصادی و توسعه و رکود آن تأثیر به‌سزایی دارد و ایثارگر با بذل ثروت و اموال خود و عدم امتیازخواهی، فقر را از جمعه ریشه‌کن می‌کند و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد که این سبب سازندگی جامعه خواهد شد.

اهمیت و آثار ایثار و استیثار

ایثار در تمام جوامع بشری یکی از بنیان‌های اصلی فرهنگ به‌شمار می‌رود. اهمیت و جایگاه ایثار به اندازه‌ای است که هر ملتی هویت خود را در گرو ایثار و فداکاری و پای‌بندی به آن می‌داند. جایگاه ایثار در میان احساسات در بالاترین مرتبه قرار دارد و مقدس‌ترین احساس و هیجان انسان است که لذت روحی‌اش شیرین و اوج ایمان، نماد دین و کمال انسانیت است. ایثار باعث افزایش روحیه مقاومت می‌شود و در سازندگی انسان نیز مؤثر است. کسی که ایثار می‌کند تقریباً تمام صفات نیک اخلاقی در شخصیت

او شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، ایثار، میانبری به قله فضایل و رهایی از تمام رذایل است؛ زیرا ایثارگر توانسته است بر رذیلت‌ها فائق آید و فضایل روحی را در خود رشد دهد (رحمانی، ۱۳۹۱، ص. ۹۲). ایثار بالاترین بزرگواری، برترین عبادت و سخاوت، خوی نیکان و نشانه صداقت دوست است. ایثار دارای آثار فردی و اجتماعی ذیل است: **ایثار فردی:** ایثار باعث رسیدن بشر به کمال انسانیت است و او را به انسان الهی تبدیل می‌کند. ایثارگر خشنودی خدا را در نظر می‌گیرد و به همین خاطر در وجود خود احساس شور و نشاط می‌کند و به آرامش روحی و روانی می‌رسد. ایثار موجب فلاح و رستگاری، آمرزش، قرار گرفتن در زمره نیکوکاران، جلب رأفت الهی، تزکیه نفس و سازندگی او می‌شود. چنین شخصی علاوه بر اینکه محبوب خداست در نزد مردم نیز محبوبیت خاصی دارد؛ چون با ایثار، شخص در دل‌ها نفوذ کرده و به آرامش روحی و روانی می‌رسد.

ایثار اجتماعی: ایثار در جامعه باعث بازدارندگی دشمن، شکست استکبار و تأمین امنیت ملی است. باید اذعان کرد که دوام و پایداری اسلام در طول تاریخ، مدیون جهاد و ایثار شهیدان بوده است. کارایی ایثارگری هر ملت در برابر تهاجم نظامی دشمن بسیار کارساز و با اهمیت تلقی می‌شود و ایثار می‌تواند یکی از منابع مهم قدرت ملی نظام هر کشور باشد (سامانی، ۱۳۹۱، صص. ۱۰۴ - ۱۰۵). فرهنگ ایثار در جامعه می‌تواند بحران‌های اجتماعی را کنترل کند، ریشه فقر را از بین ببرد و اقتصاد آن جامعه را تا سر حد خودکفایی برساند که دیگر نیازی به دیگر ملت‌ها نداشته باشد و به استقلال برسد. کشوری که در آن فرهنگ ایثار وجود دارد، دارای هویت است و کشورهای صاحب هویت را نمی‌توان محو کرد. فرهنگ ایثار بعد مادی و معنوی امنیت را تأمین می‌کند و در ایجاد و حفظ آن تلاش می‌کند (مجموعه مقالات نخستین همایش علمی فرصت‌ها و چالش‌های فراوری گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۹۴). فرهنگ ایثار در جامعه نشاط و سرور می‌آفریند و مردم را برای دفاع از کشور بسیج می‌کند. این افراد از شهادت باکی ندارند و آن را سر منزل مقصود می‌دانند. از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آثاری

که از شهادت در جامعه بر جای مانده، مبحث درخشانی اسلام است. شهدا با اهدای خون و جان، اسلام را در جامعه ماندگار کردند و از رخنه دشمن برای خاموشی این چراغ پرفروغ جلوگیری کردند (قربانی، ۱۳۹۴، ص. ۴۰). در حقیقت نبود ایثار در جامعه موجب فروپاشی آن جامعه خواهد شد؛ چرا که اساس هر جامعه‌ای بر پایه ایثار است. به این صورت که نیاز دیگران، نیاز ماست و برای رشد فردی، اجتماعی و تعالی روحی خود باید نیاز دیگران را رفع کنیم. ایثارگران در جامعه از پشتوانه شخصیتی برخوردارند و جامعه برای این افراد شخصیت فوق‌العاده‌ای قائل است و به آنان بهای زیادی می‌دهد.

در مقابل ایثار، استیثار قرار دارد. استیثار عامل تباهی جامعه است و آن را به اضمحلال می‌برد. اسلام از استیثار منع کرده است و اهل استیثار به سرمایه‌داران پرنفوذی گفته می‌شود که با نفوذ در دستگاه حکومت‌ها، اموال عمومی و منابع طبیعی و ملی همانند مالکیت بر مراتع، معادن، جنگل‌ها و دریاها و یا امتیاز تولید یا تجارت، کالایی خاص را در اختیار و انحصار خویش درمی‌آورند و از این راه به ثروت‌های هنگفتی دست می‌یابند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص. ۴۴۱). استیثار مانع اجرای عدالت و سبب تبعیض است. انسان در اثر استیثار و انحصارطلبی و حق ویژه قائل شدن برای خود و آنچه به خود وابسته است، به مرزبندی بین اشخاص و اشیا می‌پردازد و در میان آن‌ها تفاوت می‌نهد، تبعیض قائل می‌شود و بدین‌سان قوی‌ترین و فراگیرترین مانع اجرای عدالت شکل می‌گیرد. گاهی استیثار ملاکی برای مرزبندی‌های سیاسی قرار می‌گیرد و سمت‌گیری سیاسی، شخص را در جهتی قرار می‌دهد که تأمین‌کننده استیثار او باشد و بی‌کفایتی‌ها بر قابلیت‌ها حکومت می‌کند (لطیفی، ۱۳۷۹، ص. ۳۷). از آثار دیگر استیثار، سودجویی و امتیازطلبی است. در جامعه همواره افرادی هستند که به تمام مسائل به شکل منفعت‌طلبی می‌نگرند. اگر چیزی برایشان سودآور باشد، آن را انجام می‌دهند. آن‌ها همه چیز را از منظر منافع خود ارزیابی می‌کنند و امتیازات و حقوق ویژه‌ای برای خود قائل هستند و گل سر سبد همه چیز را به خود اختصاص می‌دهند.

مبانی فقهی ایثار و استیثار

دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین به فرهنگ ایثار با توجه به اثرگذاری آن در تمام ابعاد فردی و اجتماعی، توجه ویژه‌ای داشته است. ایثار در قاموس اسلامی، تضمینی برای عزت اسلام و پویایی آن است؛ چرا که ایثار در نزد مسلمانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و قرآن و سنت به آن اهمیت داده است. می‌توان گفت که فضیلت ایثار و رذیلت استیثار مبنای فقهی دارند. حقوق اسلامی نیز که برگرفته از فقه است و بر مبنای آن ایجاد شده است، این مبانی را تأیید می‌کند. پس ایثار و استیثار مبنای فقهی حقوقی دارند و در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) در کتاب‌های گرانقدری چون نهج‌البلاغه، غررالحکم و صحیفه سجادیه بارها از فضیلت ایثار و رذیلت استیثار سخن گفته شده و برای ایثارگر منزلت و جایگاه رفیعی در نظر گرفته شده است. این موارد بی‌شمار است و در اینجا فقط به ذکر مواردی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

آیات قرآن کریم درباره فضیلت ایثار

در قرآن کریم هم‌خانواده‌های واژه «ایثار» در آیه ۹۱ سوره یوسف به صورت «آثَرَک»، آیه ۳۸ سوره نازعات به صورت «أَثَرَ»، آیه ۱۶ سوره اعلیٰ به صورت «تُؤَثِّرُونَ»، آیه ۷۲ سوره طه به صورت «تُؤَثِّرُکَ» و آیه ۹ سوره حشر به صورت فعل «یُؤَثِّرُونَ» آمده است. که در میان این آیات، فقط آیه ۹ سوره حشر دلالت بر ایثار دارد و در مابقی آیات فقط لفظ ایثار آمده است و دلالتی بر مفهوم ایثار ندارند.

آیه ۹ سوره حشر: «وَ الَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

ترجمه آیه: و برای کسانی از انصار است که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان جای گرفتند و کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند، دوست دارند و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است، نمی‌یابند و آنان را بر خود

ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی (به مال و متاع) باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند.

در المیزان آمده است: «ایثار به معنای اختیار و مقدم کردن چیزی بر غیر آن است.» (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۹، ص. ۲۰۶). این آیه را، آیه ایثار نامیده‌اند. درباره شأن نزول این آیه ۵ احتمال وجود دارد اما ایثار امام علی علیه‌السلام به مقدار، از سایر احتمالات قوی‌تر است. شأن نزول این آیه اینگونه است که مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و به او از گرسنگی شکایت کرد. رسول خدا (ص) او را به نزد همسرانش فرستاد و همسران گفتند: چیزی جز آب نزد ما نیست. پیامبر (ص) گفت: چه کسی امشب، این مرد را غذا می‌دهد؟ امیرالمؤمنین (ع) گفت: من، یا رسول‌الله! پس به نزد فاطمه (س) آمد و از او پرسید: ای دختر رسول خدا در نزد تو چه چیزی است؟ حضرت فاطمه (س) گفت: نزد ما چیزی جز غذای دختر بچه نیست ولی آن را برای مهمان امشب ایثار می‌کنیم. حضرت علی (ع) گفت: ای دختر محمد! دختر بچه را بخوابان و چراغ را خاموش کن تا غذا خوردن و کم بودن غذا معلوم نشود. حضرت علی (ع) دستش را به سوی غذا می‌برد ولی چیزی نمی‌خورد. وقتی مهمان از غذا خوردن فارغ شد. حضرت فاطمه چراغ را آورد. پس دید که ظرف پر از فضل خداوند است. تا اینکه صبح شد و امام علی (ع) با پیامبر نماز خواند. پیامبر وقتی سلام نماز را گفت، رو به امیرالمؤمنین کرد و شدید گریه کرد و گفت: ای امیرالمؤمنین! خداوند از عمل دیشب شما تعجب کرده و خوشحال است. سپس گفت: بخوان این آیه را: «وَ يُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص. ۲۸).

در آیات دیگر قرآن کریم واژه ایثار نیامده ولی بیانگر مفهوم ایثار و فداکاری است،

این آیات عبارت‌اند از:

آیه ۲۰۷ سوره بقره: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ

بِالْعِبَادِ»

ترجمه آیه: و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد (مانند امیرالمؤمنین علیه‌السلام) و خدا به بندگان مهربان است.

این آیه به خوبی نمایانگر ایثار و گذشت است، چنانکه در کتاب تفسیر القمی در مورد این آیه آمده است که: «امام علی (ع) فرمودند منظور از فروختن جان در اینجا، بذل و بخشش و ایثار است» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۷۱).

آیه ۸ و ۹ سوره انسان: «وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا ۗ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا»

ترجمه آیه: و غذا را در عین دوست داشتنش به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند و (می‌گویند) ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی از شما نداریم. شأن نزول این سوره، درباره ایثار اهل بیت (ع) است.

طبری در جامع‌البیان چنین فرموده است: «این چنان بود که علی و فاطمه (رضی‌الله‌عنهما) یک روز روزه داشتند و ایشان را چهار قرص جوین به دست آمده بود و چون نماز شام درآمد و روزه خواستند گشود، آن قرص‌ها هر یکی یکی برداشتند، علی و فاطمه و حسن و حسین (رضی‌الله‌اجمعین) و سالیلی بدر سرای دعا کرد و گفت که: مسکین‌ام و به طعام حاجت است کی از برای خدا طعامی می‌دهد؟ و علی قرص خویش را برداشت و بدو داد و فاطمه و حسن و حسین موافقت او کردند و ایشان نیز بدادند. دیگر روز هم روزه داشتند و شب چهار قرص دیگر جوین راست کردند و نماز شام چون افطار خواستند کرد، دیگر بار بر در سرا یکی دعا کرد و گفت که: من یتیمم و به طعام حاجت است، از بهر خدای را کی این یتیم را طعامی دهد؟ دیگر بار امیرالمؤمنین علی قرص خویش ایثار بدان یتیم کرد و ایشان نیز موافقت کردند و هرکسی آن خود بدانند و هیچ نخوردند.» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص. ۱۳۰).

آیه ۱۶ سوره تغابن: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

ترجمه آیه: بنابراین به اندازه استطاعتی که دارید از خدا پروا کنید (و دعوت حق را) بشنوید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که خود را از بخل و حرص بازدارند، آنان رستگارند.

آیه ۲۰ سوره توبه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»

ترجمه آیه: آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا بزرگ‌تر و برتر است و فقط آنانند که کامیابند.

در کتاب المیزان در مورد این آیه آمده است که: «پاداش و اجر این مجاهدین در راه خداست دلالت دارد بر اینکه هر دو طرف مقابله در آیه مورد بحث از اهل مکه بوده‌اند، یکی از آن دو طرف یعنی کسانی که ایمان آورده و جهاد هم کرده‌اند کسانی بوده‌اند که در مکه ایمان آورده و مهاجرت کردند و دیگری ایمان آورده ولی مهاجرت نکرده‌اند. این نکته در کار بوده که خدای تعالی بار اول ایمان و جهاد را در یک طرف آورده و بار دیگر که ذکر همین طرف را تکرار می‌کند مسئله مهاجرت را اضافه می‌فرماید و در هر دو بار، وقتی طرف دیگر را اسم می‌برد به غیر از سقایت حاج و عمارت، چیزی دیگری اضافه نمی‌کند و معلوم است که این قیدها هم در کلام مجید پروردگار که قول فصل است بیهوده و لغو نیست. همه این‌ها آن روایاتی که در شان نزول آیه وارد شده را تأیید می‌کند، زیرا در آن روایات دارد که این آیات درباره عباس و شیبیه و علی (ع) که با یکدیگر تفاخر می‌کردند نازل شده، عباس به سقایت حاج افتخار می‌کرد، شیبیه به تعمیر مسجد الحرام و علی (ع) به ایمان و جهاد در راه خدا؛ پس آیه نازل شد و حق را به علی (ع) داد.

این آیه بیان حکم حقی است که خدای متعال در مسئله دارد و بعد آن که حکم مساوات را حق ندانست، اینک می‌فرماید: کسی که ایمان آورد و در راه خدا به قدر

توانایی‌اش جهاد کرد و از مال و جان مایه گذاشت در نزد خدا درجه‌اش بالاتر است.» (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص. ۱۹۸).

و در تفسیر کاشف چنین آمده: «مراد از سخن خداوند از جهاد در راه خدا علی (ع) است و معیار برتری در نزد خدا عبارت است از: ایمان به خدا و جهاد در راه او، پست‌ها و مقام‌ها، بسیاری از اوقات، صاحبان خود را به تباهی و نابودی کشانده‌اند و معیار برتری محسوب نمی‌شوند.» (مغنیه، ۱۴۰۰، ج ۴، ص. ۲۱).

آیه ۵۸ سوره حج: «والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا و ان الله لهو خیر الرازقین»

ترجمه آیه: و کسانی که در راه خدا هجرت کرده سپس کشته شده یا مرده‌اند، به یقین رزقی نیکو به آنان می‌دهد و قطعاً خدا بهترین روزی‌دهندگان است.

در این آیات به صور مختلفی به ایثار و فداکاری اشاره شده است. در آیه ۲۰۷ سوره بقره، ایثار جانی آمده است که شخص حاضر است برای رضای خدا جانش را فدا کند. در آیه ۸ و ۹ سوره انسان، به ایثار مالی اهل بیت (ع) به افراد نیازمند و مسکین اشاره شده است که بدون هیچ منت و انتظاری این کار را انجام می‌دهند. آیه ۱۶ سوره تغابن که یکی از آیات الأحکام قرآن کریم محسوب می‌شود، به ایثار مالی اشاره کرده است و آن را نشانه فلاح و رستگاری دانسته و در مقابل استیثار و بخل را موجب بدبختی بشر می‌داند. آیه ۲۰ سوره توبه بیانگر ایثار جانی و مالی است و آیه ۵۸ سوره حج نیز درباره جهاد و شهادت در راه خداست که آن را رزقی نیکو می‌داند که به ایثارگر داده می‌شود.

روایات و سخنان معصومین (ع) درباره فضیلت ایثار

روایاتی که درباره ارزش ایثار وجود دارد، بسیار بیشتر از آیاتی است که در قرآن وجود دارد؛ حال به ذکر چند نمونه از آن‌ها پرداخته می‌شود:

صحیفه سجادیه، دعای ۲: «و هاجرَ اِلی بِلَادِ الْغُرَبَاءِ، وَ مَحَلِّ النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِنصَاراً عَلَی أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ» (علی بن حسین (ع)، ۱۴۱۹).

ترجمه: و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزت دهد و بر (ضد) کافران به تو یاری طلبد.

الکافی، حدیث ۸: «أخبرني عن حقِّ المؤمنِ على المؤمنِ. فقال: يا أبان، دعه لا ترده. قلت: بلى. جعلتُ فداك! فلم أزل أرددُ عليه. فقال: يا أبان، تُقاسِمُهُ شَطْرَ مالِك، ثمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فرأى ما دَخَلَنِي، فقال: يا أبان، أما تَعَلَّمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قد ذَكَرَ الْمُؤَثِّرِينَ عَلى أَنفُسِهِم حدِيثًا؟ قلتُ: بلى جَعَلْتُ فِدَاكَ! فقال: أما إذا أنتَ قاسَمْتَهُ فلم تُؤثِرْهُ بعدُ، إنما أنتَ وَهُوَ سَوَاءٌ؛ إنما تُؤثِرُهُ إذا أنتَ أعطَيْتَهُ مِنَ النِّصْفِ الآخِرِ» (كليني، ۱۳۶۵، ج ۲، ص. ۱۷۲).

ترجمه روایت: مرا از حقّ مؤمن بر مؤمن، آگاه کن. گفت: ای ابان! این موضوع را بگذار و از آن، بگذر. گفتم: نه، فدایت شوم و به ایشان اصرار کردم. پس فرمود: ای ابان! داراییات را با او به دو نیم، قسمت می‌کنی. سپس به من نگریست و چون حالت دست داده به مرا دید، فرمود: ای ابان! مگر نمی‌دانی که خداوند عزّ و جلّ از ایثارگران، یاد کرده است؟ گفتم: چرا، فدایت شوم. فرمود: هرگاه داراییات را با او قسمت کنی، هنوز ایثار نکرده‌ای؛ بلکه تو و او یکسانید. وقتی ایثار می‌کنی که از نیم دیگر هم به او بدهی. الکافی، حدیث ۳: «أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قال: جَهْدُ الْمُقِلِّ، أما سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَ يُؤَثِّرُونَ عَلى أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ، تَرى هاهُنَا فَضلاً؟» (كليني، ۱۳۶۵، ج ۲، صص. ۱۸ - ۱۹).

ترجمه روایت: کدام صدقه برتر است؟ فرمود: «دهش بینوا. این سخن خدای عزّ و جلّ را نشنیده‌ای که و دیگران را بر خویش، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. آیا در اینجا مازادی می‌بینی؟

«الإِثْثارُ فَضِيلَةٌ، الإِحْتِكارُ رَذِيلَةٌ» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۲۲)

ترجمه: ایثار کردن، فضیلت است و انحصارطلبی، رذیلت.

«كُنْ عَفْوًا فِي قُدْرَتِكَ، جَوَادًا فِي عُسْرَتِكَ، مُؤَثِّرًا مَعَ فَاقَتِكَ؛ يَكْمُلُ لَكَ الْفَضْلُ» (لیثی - واسطی، بی‌نا، ج ۱، ص. ۳۹۳)

ترجمه: در هنگامی که قدرت داری، باگذشت باش و در تنگدستی‌ات بخشنده و در وقت نیازمندی‌ات، ایثارگر باش تا فضل تو کامل گردد.

«مَنْ آتَرَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعَفْوِ فِي الْمُرُوَّةِ» (لیثی واسطی، بی‌نا، ج ۱، ص. ۳۹۳)

ترجمه: کسی که ایثار کند، در مروّت، به اوج رسیده است.

«الْإِثَارُ أَشْرَفُ الْكِرْمِ وَالْإِثَارُ أَفْضَلُ الْإِحْسَانِ» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۵۱)

ترجمه: ایثار شریف‌ترین بزرگواری و بالاترین احسان است.

«حَسْبُ الْمَرْءِ ... مِنْ كَرَمِهِ إِثَارُهُ عَلَى نَفْسِهِ» (اربلی، بی‌نا، ج ۳، ص. ۱۴۰)

ترجمه: از بزرگواری مرد، همین بس که دیگران را بر خود، مقدم کند.

«الْجُودُ زَكَاةُ السَّعَادَةِ، وَالْإِثَارُ عَلَى النَّفْسِ مَوْجِبٌ لِاسْمِ الْكِرَامِ» (نویری، بی‌نا، ج ۳، ص.

۲۰۴)

ترجمه: گشاده‌دستی، زکات نیک‌بختی است و مقدم داشتن دیگران بر خود، باعث عنوان بزرگواری است.

«الْإِثَارُ زِينَةُ الزُّهْدِ، وَبَدَلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ» (سبزواری، بی‌نا، ج ۱، ص. ۳۳۷)

ترجمه: ایثار، زیور زهد است و بخشیدن داشته‌ها، زیور یقین.

«هُمْ الْبِرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ، الْمُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي حَالِ الْعُسْرِ، كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ: «وَيُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ

نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» فازوا وَ اللَّهِ وَ أَفْلَحُوا» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۴؛ فیض

کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص. ۱۵۷؛ سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۵۵۲ و جمعی از

پژوهشگران، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۶)

الکافی بیان می‌کند: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَيُّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا بُنَيَّ، مَا السَّمَاخَةُ؟» قَالَ: الْبَدَلُ فِي الْيَسْرِ وَالْعُسْرِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص. ۳۰۵)

ترجمه: امیرالمؤمنین از فرزندش امام حسن (ع) پرسید: فرزندم، گشاده دستی چیست؟ فرمود: بخشش و ایثار در تنگدستی و توانگری.

شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام بیان می‌دارد: «وَعَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنِّي شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ وَ لَوْ جَاءُوا بِذُنُوبِ أَهْلِ الدُّنْيَا رَجُلٌ نَصَرَ ذُرِّيَّتِي وَ رَجُلٌ بَدَلَ مَالَهُ لِذُرِّيَّتِي عِنْدَ الضُّيْقِ وَ رَجُلٌ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَ الْقَلْبِ وَ رَجُلٌ سَعَى فِي حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا وَ شَرَّدُوا.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص. ۱۱۱)

ترجمه: رسول خدا (ص) می‌فرماید من در روز قیامت برای چهار گروه شفاعت می‌کنم اگرچه که در دنیا گناهی مرتکب شده باشند. برای کسی که به نسل و مردمش کمک کند، کسی که به هنگام تنگدستی مالش را ببخشد، کسی که با زبان و قلبش مردم را دوست داشته باشد و در برآورده شدن حوائج آن‌ها برآید.

در کتاب الوافی اینگونه بیان شده است: «لا زهد و لا تخلى أكثر من بذل النفس فى سبيل الله.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص. ۴۹۹). هیچ زهد و پرهیزگاری بالاتر از مقام ایثار جان در راه خدا نیست. ایثار جان در راه خدا که مصداق‌های متعددی را شامل می‌شود مقامی بس بزرگ در نزد پروردگار عالم -قربه الی الله- دارد.

تفسیرالصادق با اشاره به آیه ۱۱۱ سوره توبه بیان می‌نماید که بهشت در گرو بذل و بخشش جان و مال در راه خدا است؛ بهایی که خداوند آن را با قطعیت در کتاب آسمانی‌اش بیان کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص. ۳۸۰).

^۱ (۹). «السماخَةُ» فى اللغة: الجود و العطاء عن كرم و سخاء. راجع: الصحاح، ج ۱، ص. ۳۷۶؛ النهاية، ج ۲، ص. ۳۹۸ (سمح).

التبیین فی تفسیرالقرآن چنین بیان کرده است: خداوند متعال از مؤمنین خبر داده است که آن‌ها کسانی هستند که به هنگام غذا خوردن، مسکین و فقیر را بر خویش مقدم می‌دارند و ترسان از عذاب روز قیامت هستند و خدا را برای آنان بس است (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص. ۲۱۲).

ترجمه: آنان کسانی‌اند که در آسایش و سختی به برادران نیکی می‌کنند و در هنگام تنگدستی ایثار می‌کنند. این‌گونه، خداوند، ایشان را توصیف کرده و فرموده است: و دیگران را بر خود، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. و آن‌ها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند. به خدا سوگند که اینان، کامیاب و رستگار شدند.

تعداد روایاتی که درباره ایثار در کتب روایی شیعه آمده، بی‌شمار است و به این چند نمونه از روایات که در اینجا به‌عنوان نمونه‌ای برای ادله فقهی آورده شده، محدود نمی‌شود؛ چرا که ما در این تحقیق به‌خاطر اختصارنویسی ناگزیر به ذکر چند نمونه از آن‌ها می‌باشیم. همچنین در بعضی کتاب‌های منسوب به ائمه (ع) از ایثار در قالب سخن، حکمت، نامه و دعا سخن گفته شده است. چنانکه می‌بینیم در این روایات و سخنان به‌طور صریح از فضیلت ایثار، رذیلت استیثار، مروت، احسان و بزرگواری ایثارگر و جایگاه آن‌ها در نزد خداوند متعال صحبت شده است. بدین ترتیب جای هیچ شک و شبهه‌ای در اینکه ایثار در نزد دین اسلام ستوده شده، باقی نمی‌ماند.

سخنانی درباره رذیلت استیثار

علاوه بر آیات قرآن، سخنانی از اهل بیت (ع) حول استیثار وجود دارد. چنانکه امام علی (ع) خودگزینی و استیثار را موجب بی‌عدالتی می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ مَلَكَ اسْتَأْتَرَ» (شریف‌الرضی، بی تا، ج ۱، ص. ۵۰۰) هرکه به قدرت رسد، راه استیثار پیش گیرد.

در حکمت‌های منسوب به امام علی (ع) آمده است: «الاستیثار یوجب الحسد والحسد یوجب البغضه والبغضه توجب الاختلاف والاختلاف یوجب الفرقة والفرقة

توجب الضعف والضعف يوجب الذل والذل يوجب زوال الدوله و ذهاب النعمه»
انحصارطلبی، حسادت می‌آورد و حسادت، دشمنی و دشمنی، اختلاف و اختلاف،
پراکندگی و پراکندگی، ضعف و ضعف، زبونی و زبونی، زوال دولت و از میان رفتن
نعمت (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲۰، ص. ۳۴۵).

امام علی (ع) درباره به خود اختصاص دادن امکانات اقتصادی در آنچه همه مردم
در آن مساوی هستند، می‌فرماید: «و ایاک والاستثمار بما الناس فيه اسوء» (قطب‌راوندی،
۱۳۶۴، ص. ۴۹۷). بر حذر باش از اینکه چیزی را به خود اختصاص دهی که بهره همه
مردم در آن یکسان است.

بنابر این سخنان می‌توان گفت که استیثار از نگاه دین نكوهیده شده است. استیثار
مسئله جدیدی نیست که مختص زمانه ما باشد، بلکه از گذشته در تاریخ بشری در میان
انسان‌ها وجود داشته است، چنانکه با مطالعه سیره عملی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)
می‌توان فهمید که آن‌ها در دوران زندگی و خلافتشان با همه توان کوشیدند که از بروز
آفت خطرناک استیثار جلوگیری کنند. آن‌ها به سردمداران حکومت‌ها توصیه می‌کردند
که از استیثار و انحصارطلبی دوری کنند، اما آن‌ها گوش نکردند و گرفتار مصیبت
استیثار شدند؛ اما استیثار فقط محدود به سیاست و حکومت نمی‌شود، بلکه در تمام
جوانب و ابعاد زندگی انسان وجود دارد. استیثار و انحصارطلبی آنقدر زشت و پلید
است که آن را در مواردی مانند استیثار فیء، حرام دانسته‌اند.

حکم عقل بر ترجیح ایثار بر استیثار

فلاسفه‌ای که معتقد به حاکمیت عقل بر همه چیز و لزوم پیروی از آن در همه چیز
هستند، پشتوانه مسائل اخلاقی را درک عقل از خوب و بد اشیاء می‌دانند؛ مثلاً می‌گویند
عقل به‌خوبی درک می‌کند که شجاعت، فضیلت است و بزدلی و جبن رذیلت. بعضی
دیگر پشتوانه را ادراک وجدان می‌دانند، می‌گویند وجدان که همان عقل عملی است،
مهم‌ترین سرمایه انسان می‌باشد، عقل نظری را ممکن است فریب داد ولی وجدان چنین
نیست و می‌تواند رهبر حقیقی بشر باشد. بنابراین همین که وجدان ما می‌گوید امانت،

صداقت، ایثار، فداکاری، سخاوت و شجاعت خوب است، همین کافی است که ما را برای رسیدن به این نیکی‌ها بسیج کند و همین که می‌گوید بخل، خودخواهی و خودپرستی بد است، کافی است ما را از آن بازدارد. در اینجا عقل و وجدان به هم می‌رسند و پشتوانه خوبی برای نیل به فضایل اخلاقی و ایثار و فداکاری محسوب می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص. ۷۵). مثلاً وقتی برای اعضاء خانواده یا گروهی مشکلی پیش آید و حل آن مشکل در گرو فدا کردن یکی از اعضاء باشد، عقل و وجدان آدمی به ایثار و فداکاری حکم می‌کند. اگر این ایثار و فداکاری در جهت منافع جمع، مورد پسند عقلای عالم باشد، مورد پسند خداست. همان‌گونه که قیام امام حسین (ع) را می‌توان عقلانی دانست؛ چون جان و مال و فرزندانش را در راه رضای خدا و برای زنده بودن اسلام از دست داد.

در واقع عقلانیت اجتماعی حکم می‌کند که انسان برای نیل به آرامش و امنیت و رفاه در زندگی اجتماعی، ضرورت دارد از برخی خواسته‌های نفسانی و امیال فردی خویش گذشت و ایثار کرده تا به رفاه عمومی و سعادت دنیوی برسد؛ زیرا دریافته است که رفاه و توسعه و سعادت فردی در گرو تأمین منافع عمومی اجتماع است. لذا استیثار و خودخواهی با تکامل و سعادت فردی و اجتماعی ناسازگار است.

آنچه عقل به تنهایی و بدون وجود خطاب و دلیل لفظی از کتاب و سنت بر آن دلالت دارد، حسن و قبح عقلی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص. ۱۸۸). عقل بشری حسن و قبح اشیاء را درک می‌کند و می‌تواند حکم به حسن یا قبح چیزی کند. شاید بتوان در اینجا قائل به ملازمه اصل «کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع» شد؛ یعنی هرچه را که شرع به آن حکم کند، عقل هم به آن حکم می‌کند و هرچه را که عقل به آن حکم کند، شرع نیز به همان حکم می‌کند. به این صورت که شارع مقدس در قرآن کریم و روایات به ایثار سفارش کرده، آن را فضیلت دانسته و به آن حکم می‌کند. پس، از حکم شارع به ایثار کشف می‌کنیم که عقل نیز نسبت به ایثار همین حکم را دارد، هرچند که عقل نتواند آن را درک کند. از سوی

دیگر عقل بشری، ایثار را فعلی حسن دانسته است که مصالح و منافع جمعی را در پی دارد و از این حکم عقلی، کشف می‌کنیم که شرع نیز به ایثار همین حکم را می‌کند.

پایان بحث:

الف - ترجیح ایثار بر استیثار در نظام حقوقی اسلامی:

۱. قرآن کریم:

در قرآن کریم با توجه به آیاتی که به آنها در مورد ترجیح ایثار اشاره شده، حاکی از این است که خشنودی و رضای خداوند در این است که آدمی از روی قصد و نیت خیر، دیگران را بر خود ترجیح دهد و او را بر خویشتن برگزیند. خداوند متعال ایثار و دیگرگزینی را صفت پسندیده‌ای می‌داند که سبب تعالی انسان در ابعاد گوناگون می‌شود؛ از طرفی در مقابل آن، استیثار و خودگزینی قرار دارد که نوعی بی‌عدالتی اخلاقی است که سبب انحطاط آدمی و جامعه می‌گردد.

۲. سنت:

در روایات و سخنان معصومین این برداشت می‌شود که ایثار از شریف‌ترین بزرگواری و بالاترین احسان است که هیچ چیز قابل قیاس نیست و به ترجیح ایثار و از خودگذشتگی در تمام امور سفارش شده است. ایثار نزد معصومین نیاز جامعه می‌باشد و زمانی که ایثار در جامعه گسترش پیدا کند، جامعه به رشد و پیشرفت و بالندگی قابل توجه‌ای در همه عرصه‌ها خواهد رسید و آینده‌ای درخشان در انتظار جامعه و مردم خواهد بود.

۳. عقل:

عقل آدمی با توجه به این همه آیات در مورد سفارش به ایثار و دوری از استیثار به حسن بودن ایثار و قبیح بودن استیثار پی می‌برد و به ترجیح ایثار بر استیثار حکم می‌کند و لازمه پیشرفت یک جامعه را رواج ایثار و دوری از استیثار می‌داند.

ب - ترجیح ایثار بر استیثار و تأثیر آن بر جامعه اسلامی:

با توجه به آیات و روایاتی که درباره ایتار و استینار بیان شد و همچنین نقش عقل بشری در ترجیح ایتار، می‌توان اذعان کرد که فقه و حقوق اسلامی به ایتار و فداکاری، ارزش و بهای زیادی داده و استینار و خودگزینی را منع کرده و آن را یکی از خطرناک‌ترین ضد ارزش‌ها می‌داند. نه تنها در دین اسلام، بلکه در تمام ادیان و مذاهب اینگونه است که ایتار یک عمل اخلاقی مثبت و استینار یک عمل منفور تلقی شده است. نیکویی ایتار و بدی استینار ریشه در فطرت آدمی نیز دارد. هر انسانی بدون توجه به آیین و مذهبی که دارد، با رجوع به وجدان و درون خویش می‌تواند به خوبی و پسندیده بودن ایتار حکم کند. پس ایتار در همه جوامع و قشرها از کودک گرفته تا پیر، به صورت کم یا زیاد وجود دارد. این به خود ملتها بستگی دارد که بتوانند چقدر فرهنگ ایتار را در جامعه نهادینه کنند و آن را گسترش دهند. هر ملتی که فرهنگ ایتار و از خودگذشتگی در آن وجود داشته باشد، در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به خودشکوفایی و خودکفایی می‌رسد و از وابسته بودن رها می‌گردد. در جامعه‌ای که روحیه ایتار در آن وجود نداشته باشد و هرکسی به فکر منافع خودش باشد، سنگ خود را به سینه بزند و خودش را در هر چیزی در اولویت بداند، آن جامعه هرروز فقیرتر و ضعیف‌تر می‌شود و در نهایت سقوط می‌کند. با ایتار و فداکاری است که نهال نوع‌دوستی جان می‌گیرد، مشکلات فقر و اشتغال رفع می‌گردد، امنیت ملی کشور تأمین می‌شود و جامعه رنگ و بوی معنویت به خود می‌گیرد. یک جامعه سالم و توسعه‌یافته نیازمند به رشد فضائل اخلاقی من جمله ایتار می‌باشد و جامعه سالم جامعه‌ای است که مردم در فضاها و اجتماعات اجتماعی به نفع اجتماع رفتارهای جمع‌گرایانه داشته باشند و دیگران را بر خود مقدم بدانند. ایتار دارای معانی گسترده و وسیعی است و مصادیق بسیاری دارد من جمله؛ آداب پسندیده‌ای در دین اسلام با عنوان وقف وجود دارد که صفر تا صد آن معنای ایتار دارد و در کنه وقف، کسی که مال را وقف می‌کند، به تعبیری دیگران را بر خود مقدم می‌دارد و دغدغه‌ای از فقرا را برطرف می‌کند؛ واقف نیز ایتارگر است و یا خیرین که در جامعه ما کم نیستند به نوعی ایتار می‌کنند و افرادی

که می‌بخشند و از حق دیه و قصاص می‌گذرند و مادری که فرزند معلول و ناتوان دارد و برای رشد و پرورش آن تلاش می‌کند و زوجی که به دلیل فقر و یا ورشکستگی زندگی مشترک خود را رها نکرده و طلاق نمی‌گیرد و پرستاران و خدمت‌گزاران به مردم و آتش‌نشانان و معلمان با حقوق کم و ناچیز در تعلیم و تربیت نسل آینده همه و همه ایثار می‌کنند. ایثار در جامعه اگر از کودکی و به صورت نسل به نسل در فرآیند جامعه‌پذیری و تربیت آموزش داده شود این رفتار پسندیده کم کم به صورت یک جریان اجتماعی نمود پیدا می‌کند و این خود باعث رشد فردی و اجتماعی و رسیدن به تعالی روحی و روانی می‌گردد و برطرف کردن نیاز دیگران یک نوع دغدغه برای افراد جامعه می‌گردد. این نوع دغدغه برای افراد جامعه به مرور زمان مانند انجام وظیفه می‌شود و هر کس وظیفه خود را به بهترین شکل انجام می‌دهد و بر توانمندی‌های زندگی فردی تأثیر می‌گذارد و همانند یک آتش‌نشان، پزشک و معلم؛ هرکس در حال ایثارگری می‌باشد. در جامعه هنگامی که ایثار به عنوان یک وظیفه بین افراد جا بیفتد در هر یک از ابعاد جامعه اثرات مفید و مثبتی من جمله آرامش درونی، اتحادطلبی، هم‌دردی، گذشت و مبارزه با خوخواهی بر جای می‌گذارد. ایثار علاوه بر تأثیر مادی در ابعاد مختلف جامعه دارای بعد معنوی است، ایثار باعث کسب رضای الهی می‌گردد و این خود دارای پاداش‌های اخروی و نعمت‌های بی‌شمار است و ایثارگر برکت در روزی پیدا می‌کند و همه از او به نیک نامی یاد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ ایثار و گذشت در تمامی جوامع بشری ارزش و جایگاه ویژه‌ای دارد و از آموزه‌های مهم دینی است. این فرهنگ که ریشه در وارستگی انسان‌ها دارد به شکل‌های متفاوتی در جوامع بشری تجلی یافته است. این فرهنگ اگر گسترش یابد و به صورت فراگیر درآید، موجب هم‌بستگی و قدرت میان اعضای جامعه می‌شود. در ادیان بزرگی چون مسیحیت، یهود، زرتشت، بودا و ... از ایثار به اشکال مختلفی چون نوع دوستی، کمک به دیگران سخن گفته شده و از ارزش‌های مهم آن ادیان به شمار می‌رود. به

برکت این فرهنگ است که حقایق اسلام پس از قرن‌ها هنوز زنده و پابرجاست. در این تحقیق، ارزش ایثار و پستی استیثار و آثاری که هر دو در جامعه می‌گذارند، بیان شد سپس ادله و مبانی فقهی آنان در قرآن، سنت و عقل بررسی گردید و مشخص شد که آیات قرآن و روایات و عقل بشری بیانگر ارزش و منزلت ایثار و قبح استیثار هستند. قرآن کریم در تعدادی از آیات، درباره ایثار و نیکویی آن و اینکه ایثارگر را به فلاح و رستگاری می‌رساند، سخن گفته است. کتاب‌های روایی نیز پر است از اهمیت ایثار و دعوت به ایثارگری. قرآن و سنت، ایثار را مقدس و ایثارگر را گرامی می‌داند تا جایی که خداوند فرموده است: شهیدان همواره زنده‌اند و در نزد من بسر می‌برند. پس نتیجه می‌گیریم که قرآن و سنت، ایثار را می‌پسندد و استیثار را نفی می‌کند. عقل آدمی نیز به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شیعه، حسن ایثار و قبح استیثار را درک می‌کند، ایثار را ستوده و آن را برای ایجاد جامعه امن و برقراری روابط صحیح انسانی لازم می‌داند. در واقع این ایثار است که در مبانی فقهی ستوده شده است و استیثار چیزی جز حسادت، اختلاف، دشمنی، نابودی و هلاکت در پی ندارد. این وظیفه نهادها و سازمان‌های آموزشی است که از همان کودکی فرهنگ ایثار را به مردم بیاموزند و این حس فداکاری را از همان کودکی در وجودمان پرورش دهند تا جامعه ایرانی به تعالی و عظمت الهی دست یابد و فضای مناسبی برای فرج آقا امام زمان (عج) ایجاد شود. ایثار دارای بعد معنوی از جمله کسب رضای الهی، رسیدن به پاداش اخروی، برکت در روزی و نیک‌نامی می‌باشد. رشد و جا افتادگی ایثار در جامعه باعث توسعه یافتگی و سلامت جامعه می‌گردد و این خود باعث تعالی روحی و روانی می‌گردد، کمال و بالندگی ایثار در جامعه از رذایل اخلاقی همچون بخل، حرص، ریا، اسراف و خودبینی و تکبر جلوگیری می‌کند و جامعه‌ای سرشار از امید و پویایی هم‌دلی بوجود می‌آورد و هر کس در صدد یاری رساندن به هم نوع خود بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی می‌باشد و این خود به تنهایی نقشی بسزایی در پیشرفت جامعه دارد و به آینده روشن جامعه کمک شایانی می‌نماید.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تهران، عابدزاده، ۱۳۹۲.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، چاپ دوم، قم: دارالکتاب-الإسلامی.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغه*، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، بی جا: مکتبه آیه الله العظمی - المرعشی النجفی (ره).
۶. اربلی، علی بن عیسی (بی تا)، *کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام*، بیروت: بی نا.
۷. اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۷)، *زندگی نامه و اندیشه های استاد شهید مرتضی مطهری*، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۸. المهدی، حسین بن محمد (بی تا)، *صید الافکار فی الادب والاخلاق والحکم والامثال*، بی جا: بی نا.
۹. جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۱)، *الاصول الستة عشر من الاصول الاولیه*، قم: دارالحدیث.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، *المفردات فی غریب القرآن*، بی جا: بی نا.
۱۲. رحمانی، مهناز (۱۳۹۱)، *ترویج فرهنگ ایثار و گذشت در رسانه ملی*، چاپ اول، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۱۳. سامانی، سید محمود (۱۳۹۱)، *فرهنگ ایثار در اسلام و راه های ترویج آن در جامعه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۴. سبزواری، محمد بن محمد (بی تا)، *جامع الأخبار*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۵. سبزواری، محمد (۱۴۰۹)، *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (بی تا)، *نهج البلاغه*، بی جا: دارالکتاب اللبنانی.

۱۷. صفار، محمدبن حسن (بی تا)، بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، بی جا: بی نا.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، بی جا: منشورات اسماعیلیان.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی.
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامعه البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. عزیزی، بیتا (۱۳۹۳)، شناسایی و تحلیل مفهوم ایشار در آیات و روایات و بررسی آثار تربیتی آن (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شاهد، ایران.
۲۵. علی بن حسین (ع)، الصحیفه السجادیة الکامله، چاپ اول، تهران: مشعر، (۱۴۱۹).
۲۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۲۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافی، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۲۸. قربانی، سعید (۱۳۹۴)، آسیب های پیش روی فرهنگ ایشار و شهادت و راهکارهای صیانت از آنها از منظر مقام معظم رهبری، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۸۵، ص ۳۰-۴۹.
۲۹. قطب راوندی، سعید بن هبه الله (۱۳۶۴)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیة الله - العظمی المرعشی النجفی العامه.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، ایران، قم: دار الکتب.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی (ط- الحدیث)، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۳۳. لطیفی، محمود (۱۳۷۹)، عدالت اجتماعی در حکومت علوی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ص ۲۵-۵۵.

۳۴. لیبی واسطی، علی بن محمد (بی تا)، عیون الحکم والمواعظ، بی جا: بی نا.
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بی جا: مؤسسه الوفاء.
۳۶. مجموعه مقالات نخستین همایش علمی فرصت‌ها و چالش‌های فراروی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸.
۳۷. محمدی‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، دانشنامه میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۸. محمودی، محمدباقر (۱۹۸۶)، نهج السعاده فی المستدرک نهج البلاغه، چاپ اول، نجف: مؤسسه النعمان.
۳۹. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الاسلامی.
۴۰. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
۴۱. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)، دائرة المعارف فقه مقارن، چاپ اول، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
۴۲. ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۳)، چگونگی ارتقاء فرهنگ ایثار و شهادت، چاپ اول تهران: انتشارات آثار فکر.
۴۳. نراقی، مهدی بن ابی ذر (بی تا)، جامع السعادات، چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۴۴. نویری، احمد بن عبدالوهاب (بی تا)، نهایه الارب فی فنون الادب، بی جا: بی نا.